

RS

تاریخچه حمایت‌تندروها از دموکرات‌ها

«چه اتفاقی برای دموکرات‌ها افتاد؟ آنها ضدجنگ بودند!» این یکی از سوال‌های بسیاری است که در فضای مجازی از سوی افرادی پرسیده می‌شود که فضا تلاش می‌کند فهرست طولانی جمهوری خواهان را که از کاملاً اهریس حمایت کرده‌اند، درک کنند. عده بسیاری از این جمهوری خواهان، افراد شناخته‌شده‌ای هستند که به تدریج در سیاست خارجی معروف‌اند؛ افرادی مثل لیز چینی، نماینده سابق وایومینگ و دیک چینی، معاون سابق ریاست جمهوری.

ممکن است بتوان شگفتی‌های مشابهی را با حمایت لبرال‌های آمریکایی از مشارکت آمریکا در بحران اوکراین پیدا کرد. این سردرگمی در وهله اول بر اساس نوستالژی است، نگاهی گزینشی به تاریخ که رابطه طولانی‌تر و پیچیده‌تر حزب دموکرات را با مداخله گریه می‌همی کند.

واقعیت کاملاً متفاوت است: آنچه مشاهده می‌کنیم، چرخه تکرار از چالش‌های درون حزبی ادامه‌دار است که مدخله‌گرایان بر جسته‌بیرال خود را از پیرامون گروه کوچکی غیرمدخله‌گرایان متمرکز می‌کنند. در حالی که گروه دوم اغلب در تصورات عمومی از حزب دموکرات و دیدگاه‌اش در سیاست خارجی آمریکایی غالب است اما گروه اول واقعیت سیاست‌های حزب را هدایت می‌کند.

این موضوع از جنگ جهانی اول اتفاق افتاده است که در بهترین حالت در مناظره عمومی بین جان دووی، استاد دانشگاه کلمبیا و یکی از دانشجویانش، زندالف بورن، نویسنده، خود را نشان داده است. در حالی که هر دو لیبرال محسوب می شوند، دیدگاه متفاوتی نسبت به ورود آمریکا به جنگ افروزی های اروپا دارند.

جان دووی که به پیروزی از فلسفه واقعیت‌گرایی شناخته می‌شود، می‌گوید که جنگ نمی‌تواند جهان را از نظامی‌گری آلمان نجات دهد و اقتصاد سیاسی آمریکایی آن را به‌سمت کشوری منصفانه‌تر و مدیریت‌شده‌تر هدایت کند. بورن این ایده را درک می‌کند و می‌گوید که ورود آمریکا به جنگ می‌تواند برابرگرایی را در یک پروژه مرفقی بزرگتر تضعیف کند و با ایجاد پیچیدگی‌های بوروکراتیک، دموکراسی را دچار افول کند. در حالی که اظهارات جان دووی قدرت‌بخش‌تری داشت و آمریکا را در جنگ شدد، مشارکت آمریکا در جنگ اروپا که با نقض حقوق بشر در خانه همراه بود نشان داد که بورن درست می‌گفت.

بورن بر اثر ابتلا به آنفلوآنزای اسپانیایی در سال ۱۹۱۸ جان خود را از دست داد، دیدگاه‌هایش از جنگ که به صورت مجموعه‌ای گزارش‌ها پس از مرگ او با نام مدارک بدون‌زمان منتشر شدند، خاک حاصلخیزی را در جامعه آمریکایی پیدا کرد که از درگیری وحشت‌زده می‌شدند.

درحالی که نظریات بون پس از جنگ جهانی اول به جای ماندند و الهام بخش فضایی مبتنی بر عدم مداخله جویی شدند، اما مانع از ورود به جنگ جهانی دوم نشدند؛ جنگی که مسیر سیاست خارجی لیبرالیسم آمریکایی و تا حدی حزب دموکرات را برای ۳۰ سال آینده مشخص کرد.

از میان ۵ نامزد اخیر ریاست جمهوری حزب دموکرات، سناتور جان کری، هیلاری کلینتون و جو بایدن، به اقدام نظامی علیه عراق رای دادند. پیروزی باراک اوباما در سال ۲۰۰۸ تا حدی به دلیل مخالفت علنی اش با جنگ بود. او در عین حال دیپلماسی با ایران و گشایش در روابط با کوبا را تقویت می کرد اما در عین حال مداخلاتی در لیبی، سوریه و یمن انجام داد که در پس زمینه «مسئولیت در حمایت» صورت گرفت. لیبی را میزنه وارد موج جدیدی از نبرد داخلی در باره نقش آمریکا در جهان شده است. در دوره جدید از رقابت قدرت های بزرگ، پایگاه ترقی خواه حزب دموکرات علیه حمایت آمریکا از جنگ اسرائیل در غزه و لبنان درآمده است. آنها همچنین در جات متنوعی از مخالفت با مشارکت آمریکا در بحران اوکراین را نشان داده اند. اما بر خلاف دوران جنگ ویتنام، مخالفان اصلی نتوانسته اند بر سیاست های دموکراتیک نفوذ کنند؛ جایی که افراد برجسته حزب به دیدگاه های قدیمی درباره حفظ ائتلاف ها و نرم های بین المللی رجوع می کنند، هر چقدر هم که این دیدگاه ها در عمل ناپایدار و آسیب زا باشند. با وجود شکاف های داخل حزبی نباید غافلگیر کننده باشد که کمپین هریس از حمایت جمهوری خواهان تندرو استقبال کرده است.

با این حال نباید به تاریخ به گونه‌ای نگاه کرد که تعیین‌کننده یک مسیر اجتناب‌ناپذیر به جلو باشد. گذشته نشان داده است که این انگیزه‌ها ثابت نیستند بلکه توسط افرادی که مصمم به شکل دادن به آینده هستند، حفظ می‌شوند.



ياسمن طاهريان
خبرنگار گروه بين الملل

از پایان جنگ کره بیش از ۷۰ سال می‌گذرد و از آن زمان تاکنون بین دو کشور کره شمالی و جنوبی صلحی همراه با تنش‌های فراوان حاکم شده است. هر دو کره علیه یکدیگر حملات موشکی انجام داده‌اند، در تبادلات اقتصادی و دیپلماتیک با یکدیگر رقابت کرده‌اند و حتی جاسوس‌های خود را به‌منطقه دیگری فرستاده‌اند. اما تهدید با گشت‌درگیری، که در سال‌های اخیر بیشتر از سوی کره شمالی صورت گرفته، تا یک سال پیش در قفاظی بود. اما حالا متغی است که شبه جزیره کره به‌صحنه نبرد باولن‌ها است. این نبرد که در پیشتانی و زباله، ارسال پدها، پخش موسیقی از بلندگوها و آزمایش نظامی بین دو کره تبدیل شده، در این نبرد کره شمالی با نام رسمی جمهوری دموکراتیک خلق کره، کشوری منزوی و فقردر است که با گشت‌بیش از سه دهه از پایان درگیری‌ها، همچنان با هسیایه جنوبی خود، کره جنوبی (با نام رسمی جمهوری کره) و یکی از مهم‌ترین متحدان آمریکا در کشمکش است. کیم جونگ اون که پس از پدر بزرگ و پدر خود سمت رهبری را به‌راثت برده، به‌طور مرتب زاین، کره جنوبی و آمریکا را در حملات موشکی تهدید می‌کند. کیم در خانه با زندانی کردن بین ۸۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر فعال سیاسی صدام مخالفان خود را اسات می‌کند، به پاکسازی مقامات عالی‌رتبه خود می‌پردازد و احتمالاً دستور زور بر راثت‌اش را هم صادر کرده باشد.

آنچه تاکنون مانع از وقوع جنگی تمام عیار شده هم به توان نظامی کره جنوبی برمی گردد که با آمریکا معاهده دفاعی دارد و می تواند عملیات بازآوردگی پیونگیانگ باشد و در طرف دیگر تعداد بالای سربازان ارتش کره شمالی است که پشت خود زرادخانه کوچک هسته ای اما قابل بهره برداری را دارد که مانع پیشروی تحرکات ستول می شود.

دکترین نظامی دولت
یون برای تلافی شامل
اقدامات «فوری»
متوسل به زور و تا
پایان درگیری» است
که برای عدم تشویق
تشدید از سوی کره
شمالی طراحی شده
است. با این حال
بیونگ بانگ متقاعد
شده که ستول بیشتر
از آنچه که هست از
تلفات بیزار است و
کره شمالی می‌تواند
قمار خطرناکی را بازی
کند

تنمش در مدار ۳۸ درجه

تقایلی در شبه جزیره کره یس از ۳ دهه از یایان جنگ شدت گرفته است

حضور ارتش آمریکا در شبه‌جزیره کره، ریشه در جنگ در اوایل سال‌های ۱۹۵۰ دارد. در آن زمان و در مراحل اولیه جنگ سرد، آمریکا از نیروهای حاضر در جنوب شبه‌جزیره علیه نیروهای کمونیست در شمال که حمایت نظامی چین و شوروی را داشتند، حمایت می‌کرد. امروز آمریکا خود را به‌دفاع از کره جنوبی تحت مفاد «پیمان دفاعی مشترک» متعهد کرده و به‌همین منظور نزدیک به ۲۹ هزار سرباز در شبه‌جزیره کره اعزام کرده است. علاوه بر سربازان آمریکایی، تعداد بسیاری از ۳۰ هزار سرباز کره جنوبی و یک میلیون و ۲۰۰ هزار سرباز کره شمالی در نزدیکی نوار مرزی منطقه غیر نظامی قرار گرفته‌اند که آن را به‌یکای از سنگین‌ترین مرزهای مسلح در جهان تبدیل کرده است. این نوار همچنین به‌مدار ۲۸ درجه معروف است. اما به‌ظرف می‌سد مرزها دیگر مثل گذشته خدشه‌ناپذیر نیستند؛ روسیه به اتریکان حمله کرده است، ارتش اسرائیل وارد غزه شده و حتی ویتنام‌ها هم به‌فکر حمله به گوآن، کشوری کوچک در آمریکای جنوبی افتاده است. در این میان آمریکا هم به اهداف مختلفی در خارج از مرزهای خود حمله کرده؛ از حوشتی‌ها در دریای سرخ گرفته تا فرماندهان ایرانی در سوریه. در چند روز اخیر ارائه مستندات مبنی بر اعزام هزاران سرباز کره شمالی به روسیه که با تکذیب مقامات هر دو کشور همراه بوده، واکنش کره جنوبی را در پی داشته که می‌تواند ربهادهای جدید، وارد جهان رقم‌زنی.

در مقابل این پس زمینه ژئوپلیتیک، آیا تهدیدات دو کره علیه یکدیگر فقط در حد لفاظی باقی می ماند یا می تواند به جنگی نیابتی در کشوری دیگر تبدیل شود؟

در سال گذشته کیم چونگ ایل هر روز جنگ طلبی شده است، اه که از زمان مرگ پدرش در پایان سال ۲۰۱۱ به قدرت رسید، با شرایط اقتصادی بسیار بد و دشمنان ائتلاف ناپذیری در خارج از مرزهایش روبه‌رو شده است. نرخ رشد اقتصادی کره شمالی در ابتدای دوران تصدی کیم خیلی هم بد نبود اما از سال ۲۰۱۷ روبه کاهش رفت و در سال ۲۰۱۸، به سمت ۴/۱ درصد رکود پیدا کرد و سپس در دوران همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۰، ۴/۵ درصد دیگر بر این رکود اضافه شد. تحریم‌های بین‌المللی تجارت کره شمالی را افزایش داد. به چین وابسته کره که می‌تواند تعادل کیم چونگ ایل را برای تقویت روابط خود با

روسیه را توضیح دهد.

در این میان، دور هبری که وعده نوعی تعامل را با پیونگ یانگ داده‌اند، دونالد ترامپ و مون جابین (رئیس‌جمهور سابق کره جنوبی)، دیگر روی کار نیستند. دولت فعلی کره جنوبی با این تعاملات مشکلی نداشته اما جابوین، رئیس‌جمهور آریک بار دیگر چالش‌های سیاست خارجی خود را از کران گرفته تا غزه متمرکز کرده و هیچ تمایلی به سرمابه‌گذاری مخاطره‌آمیز در گسترش روابط سیاسی مثل مذاکره با پیونگ یانگ نشان نداده است.

شکست و واشتگن در تعامل با کره شمالی یکی از دلایل اصلی است که رابرت کارلین و سیگموند هبکر، کارشناسان امور کره شمالی معتقدند که باعث شده کیم جونگ اون رویکرد پیش فرض از همزیستی مسالمت‌آمیز را نادیده بگیرد و حلات خود علیه کره جنوبی را آغاز کند. به گفته جان ففر، نویسنده و مدیر سیاست خارجی در کانون موسسه مطالعات سیاست، همانند غزه که به بزرگترین زندان روباز جهان تبدیل شده بود و حماس برای حمله به اسرائیل به این نتیجه رسید که چیزی برای از دست دادن ندارد، رهبری کره شمالی که مسئول کشوری فقره‌ده و سابقه هولناک حقوق بشری است، ممکن است به این نتیجه رسیده باشد که دیگر چاره‌ای برایش باقی نمانده.

در ۱۳ اکتبر، پس از ورود پهلپادها از کره جنوبی به پایتخت همسایه شمالی، سنول و پیونگ یانگ تهدیدهای لفظی تندی مبنی بر اقدامات نظامی علیه یکدیگر مطرح کردند. وزیر خارجه کره شمالی همسایه جنوبی، ا متهم کرد که طی دو هفته پهلپادها را ش را به پیونگ یانگ فرستاده و اعلام کرد اعلامیه‌هایی که پهلپادها را اکند کردند حاوی «شایعات تحریک آمیز و پیام‌های بی ارزش» بودند. کیم یو جونگ، خواهر بانفوذ کیم به سنول هشدار داد که در صورت مشاهده دوباره پهلپادها، تبعات وحشتناک در انتظار سنول خواهد باشد. او سپس گفت که شواهد محکم دارد که «گانگسترهای نظامی» کره جنوبی پشت این تحرکات هستند.

کره شمالی تصاویر تاری از پرواز پهپادها در آسمان و عکس هایی از اعلامیه ها را منتشر کرد اما هیچ راه مستقلی برای بررسی این ادعاها وجود ندارد.

در حالی که کره جنوبی در ابتدا پرواز پهپادها به شمال را انکار می کرد، بعدها رئیس ستاد مشترک جمهوری کره گفت که اتهامات پیونگ یانگ را نه رد می کند نه قبول.

هنوز مشخص نیست که چه کسی پشت نفوذ پهلپاد بوده اما گمانه‌زنی تحلیل‌گران نشان می‌دهد که ارتش کره جنوبی یا فعالان ضد رژیم کره شمالی می‌توانند مشارکت داشته باشند.

این اتفاق باعث شد تا پیونگی‌یانگ به نیروهای مرزی خود دستور دهد تا در صورت نفوذ دوباره پهادهای کره جنوبی برای تلافی آماده باشند و وقوع «فاجعه‌ای وحشتناک» را تهدید کنند. به گزارش خبرگزاری KCNA، کیم جونگ ایل، پسر رئیس ارتش، فرماندهان نظامی، وزرای امنیت و دفاع و مقامات ارشد ملاقات کرد. در این دیدار، کیم «مسیر اقدام نظامی

